



سرنخ های کالبدی مسکن در برچسب زنی سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان

کوثر گلدسته¹، عبدالمجید نورتقانی^{2*} و مهدیه پژوهانفر³

تاریخ دریافت: 98/05/28

تاریخ پذیرش: 98/09/28

چکیده: مسکن و مشخصه های کالبدی آن شاخصی از وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنان هستند که افراد را در معرض برچسب قرار می دهند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل کالبدی مؤثر در برچسب زنی اجتماعی-اقتصادی به ساکنان از دیدگاه دو گروه کاربر و طراح انجام شد. جهت حصول این اهداف مجموعه ای از عوامل کالبدی موجود در منابع را با استفاده از روش کیفی داده بنیاد شناسایی و در قالب پرسشنامه مشخصه های کالبدی مسکن تدوین شد و در اختیار 2 گروه افراد شامل 247 نفر کاربر با نمونه گیری تصادفی و 103 نفر متخصص حوزه معماری با نمونه گیری گلوله برفی قرار داده و نظرسنجی انجام شد. شناسایی عوامل مؤثر با محاسبه میانگین نمره کسب شده برای هر دسته (به عنوان نقطه برش) و حذف عوامل با نمره کمتر از حد تعیین شده انجام شده و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی در 6 گروه دسته بندی شدند. به منظور بررسی تفاوت دیدگاه دو گروه پاسخگو، آزمون تی مستقل مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد دیدگاه دو گروه در خصوص اثر عوامل موقعیت مکانی، سایت و بعد داخلی مسکن واجد تفاوت معنادار یافت شده است اما در دو مشخصه ساختمان و واحد مسکونی تفاوت معناداری را نشان نمی دهد. همچنین مشاهده شد که کاربران مشخصه های بعد داخلی را مهمترین عامل در تشخیص سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان دانسته اند، اما طراحان مجموعه عوامل موقعیت مکانی را به عنوان مؤثرترین دسته اعلام کرده اند. لذا لازم است طراحان با توجه به نظرات کاربران و استفاده هدفمند از عناصر و مشخصه ها در سطح عرف اقدام به طراحی نمایند؛ این فرآیند با انتقال معانی مورد پذیرش جامعه موجب کاهش القای برچسب زنی منفی به مسکن اقبال کم درآمد منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی: مسکن، سرنخ های کالبدی، طبقه ای اجتماعی-اقتصادی، برچسب زنی.

* این مقاله برگرفته از مطالعات پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان " مسکن مقرون به صرفه و برچسب زنی اقتصادی-اجتماعی " است که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه گلستان انجام شده است.

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد، معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

² استادیار، معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی:

A.Nourtaghani@gu.ac.ir

³ استادیار، معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

1- مقدمه

برچسب‌زنی پدیده‌ای اجتماعی است که امروزه با گسترش روابط بین فردی در جامعه رو به افزایش است و می‌تواند به بروز ناهنجاری‌های رفتاری در افراد منجر شده و بر دیگر ابعاد زندگی فرد نیز تأثیر گذار باشد (Shams, 2018). برداشت‌های ناظران از هویت و شرایط اجتماعی-اقتصادی ساکنان بر اساس ابعاد کالبدی و اجتماعی مسکن را می‌توان عاملی مؤثر در برچسب‌زنی دانست (Cappie-Wood, 1998; Norris et al., 2018; Palmer et al., 2004). از آنجا که مشخصه‌های کالبدی مسکن حاوی سرنخ‌هایی از هویت اجتماعی-اقتصادی ساکنان هستند (Harris and Brown, 1996; Hauge and Kolstad, 2007; Vershure et al., 1977) دیدگاه دیگران نسبت به ساکنان و همچنین خود انگاره فردی ساکنان که متأثر از موقعیت و به خصوص تصویر اجتماعی یا اعتبار آن مکان در نظر عموم مردم است را شکل دهند (Després, 2015; Hauge and Kolstad, 2007). ناظران بر اساس سرنخ‌های کالبدی محیط، به ساکنان برچسب‌هایی هویتی می‌زنند. برچسب‌زنی به محل زندگی افراد منجر به ایجاد خود انگاره در افراد می‌شود که بر وجوه دیگری از زندگی ساکنان همچون سلامت روانی، حضور فعال در جامعه، احساس تعلق و مسئولیت پذیری نسبت به محل زندگی تأثیر می‌گذارد (Hastings, 2004; Norris et al., 2018; Wacquant, 2008; Warr, 2005). لذا شناخت سرنخ‌های کالبدی مؤثر بر برچسب زنی و آگاهی از نحوه اثرگذاری آنها می‌تواند در ارتقا هویت اجتماعی-اقتصادی ساکنان مؤثر باشد.

انسانها همواره از طریق رفتار و اظهارات کلامی، و علاوه بر آن به واسطه تعلقات و محیط فیزیکی نیز خود را ابراز کرده و دیگران را درک می‌نمایند (Hauge and Kolstad, 2007). مسکن یکی از تعلقات طولانی مدت افراد است که ابراز هویت از وجوه عملکردی پر اهمیت آن به شمار می‌آید و تئوری‌های مختلفی بیانگر این مسأله است که خانه‌ها می‌توانند عملکردی نمادین داشته باشند (Harris and Brown, 1996). در

کنش متقابل نمادین افراد به دنبال سرنخ‌هایی (نمادهای معنادار) هستند که بتواند به کشف رفتاری مناسب و تعبیر منظور دیگران کمک کند (Anvari, 2011). به اعتقاد مارکوس (1974) خانه نماد خویشتن است و از نظر بلک (1988) مسکن به عنوان یکی از مهمترین تعلقات افراد، سرنخ‌هایی از هویت آنها ارائه می‌کند (PourDeihimi et al., 2013) به همین علت افراد خانه‌ای را ترجیح می‌دهند که ویژگی‌های نمادین از هویت و «خود» ایده‌آل آنها را در بر داشته باشد (Hauge and Kolstad, 2007).

تا کنون مطالعات فراوانی بر روی امکان خوانش محیط و ارزیابی هویت افراد توسط ناظران انجام شده است که نتایج نشان می‌دهد ناظران قادرند با مشاهده سرنخ‌های موجود در محیط درون و بیرون خانه، برداشت‌هایی از وضعیت اجتماعی-اقتصادی، سطح تحصیلات، ارزش‌ها و ویژگی‌های شخصی، سبک زندگی و جنبه‌های روان‌شناختی هویت ساکنان داشته باشند (Aragonés et al., 2010; Brown and Werner, 1985; Jones et al., 2007; Perez-Lopez et al., 2017; Wilson and Mackenzie, 2000) همچنین مشخص شده است که ناظران با مشاهده‌ی محیط درباره چه ویژگی‌هایی از ساکنان می‌توانند قضاوت‌های درستی داشته باشند (Cupchik et al., 2003; Harris and Brown, 1996; Sadalla et al., 1987; Wilson and Mackenzie, 2000) از نظر گیفورد (2002) مردم بر اساس محل زندگی دیگران، طبقه اجتماعی-اقتصادی ساکنان را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. مطالعات نشان داده‌اند که خانه‌ها به عنوان محیط‌های سکونتی حاوی تلفیقی از حس شخصی و شرایط اجتماعی-اقتصادی هستند (Borzooeian, 2014; Harris and Brown, 1996; Hauge and Kolstad, 2007). مشاهده می‌شود که مبانی نظری تأثیر کالبد مسکن بر ارزیابی از سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان را تأیید می‌کند، اما اینکه کدام سرنخ‌های کالبدی می‌توانند در برداشت‌های

همین امر ما را ملزم می‌کند نسبت به چگونگی اثرگذاری این عوامل آگاهی پیدا کرده و با ارائه راهکارهای مناسب و به‌کارگیری در طراحی، در جهت کاهش برچسب‌زنی منفی گامی برداشت.

از سویی دیگر به استناد نظریه کنش متقابل نمادین، افراد سرنخ‌های موجود در محیط را بر اساس طرحواره و تجربه‌های خود ادراک و ارزیابی می‌کنند. بنابراین افراد با زمینه‌های ذهنی مختلف ممکن است ادراک متفاوتی از محیط داشته باشند (Groat, 1982; A. T. Purcell, 1986). در مطالعات پیشین که بر برداشت‌های افراد از ابعاد کالبدی مسکن انجام شده است به وجود تفاوت دیدگاه افراد مختلف تأکید شده است و به عقیده هرشبرگر (1969) بهترین مقایسه بین دو گروه معمار و غیر معمار خواهد بود (Gifford et al., 2000). گروت معتقد است طراحان و کاربران بر اساس دسته‌های متفاوتی از عوامل ساختمان‌ها را ارزیابی می‌کنند (Groat 1982). گیفورد رابطه بین مشخصه‌های کالبدی بنا و ارزیابی از جذابیت را از دیدگاه دو گروه طراح و کاربر را بررسی کرده و نتایج حاکی از آن است که دو گروه، مشخصه‌های متفاوتی را معیار ارزیابی خود قرار داده‌اند (Gifford et al., 2002). در پژوهشی دیگر مشخص شد دیدگاه دانشجویان معماری در ارزیابی نمای ساختمان‌های مختلف با سایر دانشجویان متفاوت و به مراتب دیدگاهی منتقدانه‌تر است (Akalin et al., 2009).

پیشینه پژوهشی تأیید می‌کند، میان دیدگاه جامعه طراح و کاربر در ارزیابی محیط‌های ساخته شده تفاوت‌هایی معنا دار مشاهده می‌شود که نشان از اولویت‌های متفاوت این دو دسته دارد. این مسأله از آن جهت در این پژوهش مهم است که می‌تواند منجر به انتقال نادرست پیام مورد نظر ساکنان در خصوص هویت اجتماعی-اقتصادی آنها شود. لذا ضروری است در شناسایی مشخصه‌های کالبدی مؤثر به تفاوت دیدگاه این دو گروه نیز توجه شود.

ناظران مؤثر و راهنما باشند شناسایی نشده و نیازمند بررسی است.

تعدادی از مطالعات موجود در این زمینه به مقایسه درستی این برداشت‌ها با هویت واقعی ساکنان پرداخته‌اند و معتقدند برداشت‌های نادرست منجر به القای برچسب نادرست بر محیط و ساکنان می‌شود (Aragonés et al., 2010; Sadalla et al., 1987) که علت آن را می‌توان در تفاوت طرحواره‌ها و خوانا نبودن سرنخ‌ها برای افراد مختلف جست (Anvari, 2011; Harris and Brown, 1996).

گروهی دیگر از پژوهش‌های موجود در این حوزه از سرنخ‌ها (نمادهای موجود در محیط) به عنوان عوامل مؤثر بر ارزیابی صحیح یاد کرده‌اند، اما تنها به کشف سرنخ‌های راهنما در فضای داخلی خانه پرداخته‌اند (Aragonés et al., 2010; Poggio et al., 2013; Wilson and Mackenzie, 2000) به جز تعداد اندکی از مطالعات که میزان اثرگذاری بعد خارجی و داخلی مسکن در تشخیص هویت ساکنان را مورد مقایسه قرار داده‌اند (Sadalla et al., 1987). اغلب پژوهش‌ها صرفاً به بررسی فضاهای داخلی تک کاربر پرداخته و معتقدند ناظران عموماً با مشاهده بعد خارجی مسکن درباره ساکنان قضاوت می‌کنند، اما نمی‌توانند برداشت صحیحی از هویت ساکنان داشته باشند، ولی به بررسی علت این برداشت‌های نادرست پرداخته نشده است (Aragonés et al., 2010; Cupchik et al., 2003; Poggio et al., 2013; Ritterfield and Cupchik, 1996).

همانطور که در پیشینه مشاهده می‌شود با وجود تأکید بر تأثیر مشخصه‌های کالبدی در تشخیص سطح اجتماعی-اقتصادی، نگاهی یکپارچه در شناسایی و اولویت بندی این عوامل یافت نشده است. با توجه به نقش طراح (معمار) در فراهم آوردن بستری مناسب جهت انتقال پیام مورد نظر ساکنان به دیگران، لازم است با شناخت این سرنخ‌ها، معانی هر کدام و اصلاح آن در طراحی، بخشی از این برچسب‌زنی منفی را کنترل کرد؛

و کد گذاری باز، محوری و انتخابی و با نظر سه نفر از صاحب نظران و متخصصان فعال در زمینه‌ی تحقیق، برنامه‌ریزی و طراحی مجتمع‌های مسکونی، ضمن کنترل روایی، متغیرهایی که بار معنایی یکسانی داشتند تحت کدهای مشترکی کدگذاری گردید و سپس مفاهیم متناسبی به هر یک اختصاص داده شد که نتایج حاصل در جدول 1 آورده شده است. بر همین اساس دو پرسشنامه با محتوای یکسان و ادبیات متفاوت تهیه شد. پرسشنامه‌ای با واژگان تخصصی حوزه معماری برای متخصصین و پرسشنامه‌ای برای عوام با ادبیاتی ساده که مفاهیم معماری را به شکلی ملموس و قابل درک ارائه کند.

بنابراین اهداف پژوهش حاضر را می‌توان شناسایی مشخصه‌های کالبدی مؤثر در تشخیص سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان و اولویت بندی این عوامل عنوان کرد؛ همچنین تفاوت دیدگاه طراح و کاربر در خصوص سرنخ‌های راهنما نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

2- روش تحقیق

به منظور دستیابی به اهداف این پژوهش در گام اول با مراجعه به منابع موجود و مقالات متعدد، فهرستی از عوامل کالبدی مؤثر در طراحی مجتمع‌های مسکونی استخراج شد. سپس با استفاده از روش کیفی داده بنیاد

جدول 1- عوامل کالبدی مسکن
Tab. 1- Housing Physical Factors

دسته عاملی	مشخصه‌ها
الف) موقعیت مکانی محله	1-موقعیت مکانی محله در شهر / 2-سطح اقتصادی محله / 3-سطح فرهنگی محله / 4- تراکم ساخت محله
ب) بعد خارجی مسکن- سایت مجموعه	5-کیفیت فضاهای موجود در سایت (جذابیت، تنوع، راحتی و امنیت) / 6-داشتن سلسله مراتب فضایی دسترسی در سایت / 7-وجود فضاهای سبز، بازی و نشستن در سایت / 8- کیفیت نگهداری و مراقبت از سایت / 9-وجود تسهیلات رفاهی و خدماتی در سایت یا مجاورت آن / 10-کیفیت و سهولت دسترسی‌های سواره و پیاده به سایت مجموعه / 11- کیفیت و امنیت مسیرهای تردد موجود در سایت / 12-موقعیت، امنیت و کیفیت ورودی‌ها
ج) بعد خارجی مسکن- ساختمان	13-فرم (محسوسیت، پیچیدگی، نظم) / 14-همخوانی فرم با محیط / 15-نوع و سبک ساختمان / 16-تعداد وجوه بنا / 17-تعداد طبقات ساختمان / 18-عمر ساختمان / 19-کیفیت نگهداری ساختمان / 20-کیفیت طراحی و اجرای بنا و جزئیات / 21-اندازه و ابعاد بنا / 22- جهت گیری ساختمان نسبت به خورشید / 23-نوع سازه / 24-پارکینگ (امنیت، دسترسی، ابعاد مناسب، پوشیدگی، تعداد برای هر واحد) / 25-نوع دسترسی به بنا (میزان عمومیت یا خصوصی بودن، دعوت کنندگی) / 26-ورودی (پوشیدگی، خوانایی، در معرض دید بودن، داشتن فضای انتظار، موقعیت) / 27- نما (سبک نما و نوع طراحی) / 28-مصالح (تنوع، درصد پوشش، تناسب با همسایگی، ارزشمندی، جذابیت) / 29-رنگ (سرد یا گرم یا خنثی، تنوع، درصد پوشش) / 30-نام ساختمان و تابلوی آن / 31-حیاطها و بالکنها (امکانات، اختصاصی یا عمومی، ابعاد و جهت گیری) / 32-پلکان (در معرض دید یا پنهان) / 33-وجود یا عدم وجود سامانه های هوشمند امنیتی / 34-دربها (موقعیت نسبت به خیابان، ابعاد) / 35-پنجره‌ها (موقعیت نسبت به خیابان، ابعاد) / 36-نوع بام
د) بعد خارجی مسکن- واحد مسکونی	37-طبقه قرارگیری واحد مسکونی / 38-تعداد واحدهای همجوار در طبقه / 39-جهت گیری (شمالی-جنوبی، شرقی-غربی) / 40-ورودی واحد (وجود عقب نشینی و قلمرو یا عدم وجود آن، شخصی سازی شدن) / 41-درب ورودی واحد (ضد سرقت یا معمولی، با چشمی یا بدون چشمی، دارای محافظ فلزی یا فاقد آن)
ه) بعد داخلی مسکن	42-زیربنای واحد مسکونی / 43-هندسه‌ی پلان واحد مسکونی و فضاهای داخلی / 44- داشتن سلسله مراتب فضایی / 45-قلمروها و تمایز فضایی / 46-دیوارهای نیمه باز و پنجره‌های داخلی / 47-تعداد اتاقها و کاربری‌ها / 48-دید و منظر از بازوها / 49-میزان نور طبیعی و مصنوعی / 50-ارتفاع سقفها (اندازه و تنوع) / 51-طرح کف و دیوارها / 52-مبلمان، تزئینات و شخصی سازی

(Alexander, 1977; B.Senan, 1993; Burton et al., 2005; Daneshpaye et al., 2017; Devlin and Nasar, 1989; Fleury-Bahi et al., 2008; Gifford et al., 2000; Groat, 1982; Kasravi, 2018; Malkawi and Al-qudah, 2003; Marcus and Sarkissian, 1986; Naghibi and Hosseini, 2014; Nasar and Kang, 1999; Opoku and Abdul-muhmin, 2010; Permentier et al., 2008, 2011; Pourdeihimi et al., 2017; Alan T Purcell, 1995; Raymond Price, 2017; Royse, 1969; Sulaiman and Yahaya, 1987; Teimouri et al., 2016; Ukoha and Beamish, 1997)

2-1- تنظیم پرسشنامه

پرسشنامه شامل 5 سؤال از اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان به صورت پرسش‌های گزینه‌ای، 52 پرسش از مشخصه‌های مؤثر به صورت پرسش‌های 4 گزینه‌ای طیفی و یک پرسش باز است که محتوای هر بخش بدین شرح است:

سوالات جمعیت شناختی شامل: جنسیت، سن، سطح تحصیلات در حوزه معماری، مدت زمان سابقه کار اجرایی، حدود درآمد و ارزیابی سطح اجتماعی-اقتصادی فردی. طبق پیشینه موجود با توجه به اینکه برداشت‌های افراد متأثر از طرحواره آنهاست، لازم دانستیم به منظور دستیابی به نتایج سازمان یافته‌تر و دقیق‌تر، متغیرهای مستقل ذکر شده را نیز در نظر گرفت.

سوالات مشخصه‌های مؤثر شامل: 52 مشخصه به دست آمده از مطالعات کتابخانه‌ای و نظر متخصصان در 3 سطح طراحی شامل موقعیت مکانی، بعد خارجی مسکن (سایت مجموعه-ساختمان-پاگرد طبقات) و بعد داخلی مسکن در قالب پاسخ‌های 4 گزینه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد؛ با هدف بررسی میزان اثرگذاری هر مشخصه. لازم به ذکر است که به منظور جلوگیری از ارائه پاسخ‌های نسنجیده و تصادفی توسط پاسخگوها، مقیاس متوسط از گزینه‌ها حذف شده است.

پرسش باز با محتوای پیشنهاد مشخصه‌هایی که ذکر نشده و از نظر پاسخگو می‌توانند در تعیین سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان مؤثر باشد.

2-2- روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری این پژوهش از دو گروه افراد انجام شد تا ضمن دستیابی به نتایج سازمان یافته‌تر، مقایسه‌ای میان دیدگاه افراد با طرحواره متفاوت نیز انجام شود. بر اساس دیدگاه کلاین در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر 10 یا 20 نمونه لازم است اما حداقل حجم نمونه 200 قابل دفاع است (Kline, 2015). بر همین اساس مجموعاً 380 پرسشنامه و به استناد پژوهش آکالین و همکاران (2009) با نسبت 40٪ معمار و 60٪ غیر معمار بین افراد توزیع شد. در نهایت 350 پرسشنامه حاوی پاسخ‌های کامل و معتبر به پژوهشگر برگردانده شد. گروه

اول متشکل از 103 نفر متخصص و دانش‌آموخته‌ی حوزه معماری به عنوان جامعه طراح بود. این افراد به روش گلوله برفی انتخاب شده‌اند؛ بدین صورت که ابتدا تعدادی پرسشنامه میان طراحان، استادان معماری و دانشجویان معماری (ترم 8 کارشناسی و بالاتر) توزیع شد و از آنها خواسته شد تا این پرسشنامه را در اختیار افرادی که فارغ‌التحصیل یا دانشجوی معماری (با شرط تحصیل در ترم 8 کارشناسی و مقاطع بالاتر) هستند نیز قرار دهند. گروه دوم شامل 247 نفر از عوام به عنوان جامعه کاربر بود که نمونه‌گیری از این گروه به صورت تصادفی از میان دانشجویان غیر معماری و شهروندان استان گلستان انجام شد. از افرادی که مایل به همکاری در این نظر سنجی بودند خواسته شد تا پرسشنامه را تکمیل کرده و تحویل دهند.

2-3- روایی و پایایی ابزار

ضریب همسانی درونی برای تمام سوالات ابزار 0.940 و ضرایب بین 0.714 تا 0.901 برای خرده مقیاس به دست آمده است که نشان از اعتبار و پایایی بالای این پرسشنامه دارد و می‌توان گفت نتایج حاصل از این تحلیل از قابلیت اتکای بالایی برخوردارند.

3- نتایج و بحث

3-1- یافته‌های توصیفی پژوهش

شرکت‌کنندگان در این پژوهش 221 نفر زن و 129 نفر مرد بوده‌اند. سن حدود 83 درصد افراد کمتر از 35 سال بوده و بیش از 75 درصد از شرکت‌کنندگان سطح تحصیلات کارشناسی و بالاتر داشته‌اند. 90 درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش سطح اجتماعی-اقتصادی خود را متوسط و بالاتر اعلام کرده‌اند. توزیع سنی، سطح تحصیلات، حدود درآمد و ارزیابی افراد از سطح اجتماعی-اقتصادی خودشان در جدول 2 ارائه شده است.

جدول 2- توزیع فراوانی خصوصیات جمعیت شناختی
 Tab. 2- Distribution of Demographic Characteristics

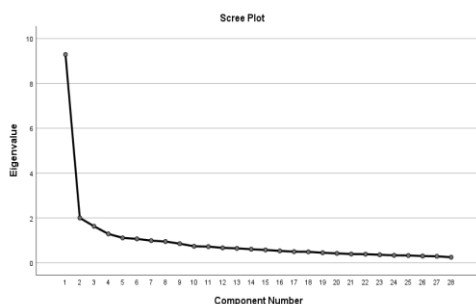
	کاربر		طراح		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	149	42.6	72	20.6	63.1
	مرد	98	28.0	31	8.9	36.9
سن	از 18 تا 25 سال	150	42.9	47	13.4	56.3
	از 26 تا 35 سال	48	13.7	47	13.4	27.1
	از 36 تا 50 سال	40	11.4	7	2.0	13.4
سطح تحصیلات	بالای 50 سال	9	2.6	2	0.6	3.1
	کاردانی و پایین تر	78	22.3	0	0.0	22.3
	کارشناسی	134	38.3	28	8.0	46.3
	کارشناسی ارشد و بالاتر	35	10.0	75	21.4	31.4
حدود درآمد	کمتر از 2 میلیون تومان	150	42.9	17	4.9	47.7
	2 تا 3 میلیون تومان	60	17.1	37	10.6	27.7
	بیش از 3 میلیون تومان	37	10.6	49	14.0	24.6
ارزیابی سطح اجتماعی - اقتصادی خود	پایین	33	9.4	1	0.3	9.7
	متوسط	144	41.1	45	12.9	54.0
	متوسط به بالا	62	17.7	54	15.4	33.1
	خیلی بالا	8	2.3	3	0.9	3.1

است. در این تحلیل به منظور سهولت تفسیر ماتریس مؤلفه‌های ساختاری، چرخش Direct Oblimin به کار برده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد 6 عامل با مقدار ویژه بیشتر از 1 یافت شدند. نمودار اسکری پلات هم 6 عامل را تأیید می‌نماید (شکل 1).

جدول 3- آزمون KMO و بارتلت

Tab. 3- KMO and Bartlett's Test

0.898	شاخص KMO
6439.042	مقدار کای اسکور تقریبی
0.000	آزمون بارتلت سطح معناداری



شکل 1- نمودار اسکری پلات

Fig. 1- Scree Plot

2-3- تعیین عوامل کالبدی مسکن مؤثر در تشخیص سطح اجتماعی- اقتصادی ساکنان

با توجه به طراحی ابزار در مقیاس ترتیبی، نمره داده شده از طرف دو گروه پاسخگو تعیین کننده میزان اثرگذاری هر عامل است. شناسایی عوامل مؤثر از طریق محاسبه میانگین نمره کسب شده برای هر دسته از عوامل به عنوان نقطه برش و قیاس نمره مشخصه‌ها با آن به انجام رسید؛ که مشخصه‌های با نمره بالاتر از نقطه برش به عنوان مؤثرترین عوامل شناخته شده‌اند. در گام بعدی به منظور کشف روابط پنهان بین این عوامل از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. دو آزمون KMO کفایت نمونه برداری و آزمون کرویت بارتلت که تعیین کننده عامل پذیر بودن متغیرهای مورد نظر می‌باشند بر روی داده‌ها انجام شد. جدول 3 مقادیر این شاخص‌ها را نشان می‌دهد؛ مقدار شاخص KMO برابر 0.898 به دست آمده که به معنای کافی بودن حجم نمونه است، آزمون کرویت بارتلت در سطح معناداری کمتر از 0.01 ($P < 0.01$) قرار دارد که نشان می‌دهد همبستگی در جامعه صفر نیست و در نتیجه انجام تحلیل عاملی بر روی داده‌ها امکان پذیر

سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان توسط گروه کاربر و طراح تفاوت معناداری وجود دارد.

در جدول 7 مشاهده می‌شود که در سه بعد موقعیت مکانی، سایت و بعد داخلی مسکن تفاوت چشم‌گیری بین میانگین نمره داده شده به عوامل مشاهده می‌شود و در هر سه دسته گروه طراح نمره بالاتری به اثر گذاری این عوامل داده‌اند. همچنین از دیدگاه کاربران بعد داخلی مسکن حائز بالاترین نمره بوده است، در حالی که طراحان بالاترین نمره را به بعد موقعیت مکانی مسکن اختصاص داده‌اند. جدول 8 نشان دهنده نتایج حاصل از آزمون تی مستقل است.

در خصوص هر یک از ابعاد کالبدی مسکن می‌توان گفت: بین دیدگاه دو گروه کاربر و طراح در خصوص اثر گذاری بعد موقعیت مکانی تفاوت معناداری وجود دارد ($t=-4.889$ و $df=234.54$ و $P=0.000$).

- بین دیدگاه دو گروه کاربر و طراح در خصوص اثر گذاری بعد خارجی مسکن - سایت تفاوت معناداری وجود دارد ($t=-5.039$ و $df=234.54$ و $P=0.000$).

- بین دیدگاه دو گروه کاربر و طراح در خصوص اثر گذاری بعد خارجی مسکن - ساختمان تفاوت معناداری وجود ندارد ($t=0.567$ و $df=234.54$ و $P=0.571$).

- بین دیدگاه دو گروه کاربر و طراح در خصوص اثر گذاری بعد خارجی مسکن - واحد مسکونی تفاوت معناداری وجود ندارد ($t=-0.546$ و $P=0.585$ ، $df=234.54$).

- بین دیدگاه دو گروه کاربر و طراح در خصوص اثر گذاری خارجی مسکن - واحد مسکونی تفاوت معناداری وجود دارد ($t=-2.220$ و $df=234.54$ و $P=0.027$).

ریشه تفاوت دیدگاه طراح و کاربر را می‌توان با دغدغه کاری و زمان صرف شده برای مطالعه محیط و عوامل کالبدی مرتبط دانست؛ این تجربیات معماران را نسبت به عوامل کالبدی حساس‌تر و آگاه‌تر کرده و مفاهیم دریافتی آنها از نمادها را تحت تأثیر قرار می‌دهد که منجر به مجموعه‌ای متفاوت از معیارها و ارزش‌های طراحی متفاوت از کاربران می‌شود.

واریانس تراکمی پس از چرخش 58.42 است؛ بدان معنا که 6 عامل استخراج شده در مجموع 58.42 درصد واریانس تمامی مشخصه‌ها را تبیین می‌کند (جدول 4). همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، گروه عاملی اول (سیمای بنا) با بیشترین واریانس (33.16) درصد تبیین‌کنندگی) را می‌توان به عنوان مؤثرترین عامل در تشخیص سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان دانست. جدول 5 محتوا و بار عاملی هر یک از عوامل 5 گانه را نشان می‌دهد. در جدول 6 ضریب همبستگی عوامل با یکدیگر آورده شده است. نتایج حاصل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی بر روی مشخصه‌های شناسایی شده با استفاده از روش کیفی داده بنیاد تا حد زیادی مطابقت داشته که نشان دهنده دسته‌بندی صحیح این عوامل است.

جدول 4- واریانس تبیین شده کل

Tab. 4- Total Variance Explained

عوامل استخراج شده	مقدار ویژه		مقدار ویژه
	درصد واریانس	درصد واریانس تبیین شده	
1	33.161	33.161	9.285
2	40.296	7.135	1.998
3	46.092	5.796	1.623
4	50.687	4.586	1.284
5	54.629	3.951	1.106
6	58.422	3.793	1.062

3-3- مقایسه دیدگاه گروه‌های پاسخگو در اثرگذاری هر دسته عوامل

همان‌طور که در پیشینه اشاره شد، افراد با طرحواره متفاوت، دیدگاه‌های مختلفی ارائه می‌نمایند. به منظور مقایسه دیدگاه دو گروه کاربر و طراح در خصوص میزان اثرگذاری هر گروه از عوامل کالبدی مسکن در تعیین سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان از آزمون تی مستقل استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که میانگین نمره اثرگذاری هر دسته از عوامل کالبدی مسکن در تعیین سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان، میان گروه‌های مختلف پاسخگو متفاوت است. طبق داده‌های به دست آمده از آزمون تی مستقل، بین نمره داده شده به اثرگذاری برخی عوامل کالبدی مسکن در تشخیص

جدول 7- توزیع فراوانی و میانگین اثرگذاری 5 دسته عامل کالبدی

Tab. 7- Frequency Distribution and Mean Effectiveness of 5 Physical Factors

انحراف معیار	میانگین	فراوانی	گروه پاسخگو	
0.549	2.625	247	کاربر	موقعیت مکانی
0.443	2.898	103	طراح	
0.651	2.558	247	کاربر	بعد خارجی مسکن - سایت
0.447	2.863	103	طراح	
0.476	2.632	247	کاربر	بعد خارجی مسکن - ساختمان
0.419	2.601	103	طراح	
0.591	2.496	247	کاربر	بعد خارجی مسکن - واحد مسکونی
0.584	2.534	103	طراح	
0.576	2.736	247	کاربر	بعد داخلی مسکن
0.460	2.865	103	طراح	

جدول 8- آزمون تی مستقل: مقایسه میانگین اثرگذاری عوامل کالبدی بین دو گروه کاربر و طراح

Tab. 8- Independent T-test: Comparison of the Mean Effectiveness of Physical Factors between 2 Groups (User and Designer)

آزمون تی: سنجش باری میانگینها		آزمون لوین: سنجش برابری واریانسها					
تفاوت میانگین	معناداری P	درجه آزادی	آماره t	معناداری P	آماره F		
-0.27356	0.000	348	-4.480	0.012	6.379	واریانس برابر	موقعیت مکانی
-0.27356	0.000	234.537	-4.889			واریانس نابرابر	
-0.30455	0.000	348	-4.339	0.000	17.922	واریانس برابر	بعد خارجی مسکن - سایت
-0.30455	0.000	273.693	-5.039			واریانس نابرابر	
0.03061	0.571	348	0.567	0.153	2.055	واریانس برابر	بعد خارجی مسکن - ساختمان
0.03061	0.551	215.399	0.597			واریانس نابرابر	
-0.3776	0.585	348	-0.546	0.724	0.125	واریانس برابر	بعد خارجی مسکن - واحد مسکونی
-0.3776	0.583	193.322	-0.549			واریانس نابرابر	
-0.12937	0.044	348	-2.025	0.018	5.699	واریانس برابر	بعد داخلی مسکن
-0.12937	0.027	237.269	-2.220			واریانس نابرابر	

4- نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری نشان داد که عوامل کالبدی مسکن تا حد زیادی می‌توانند در تشخیص سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان مؤثر و راهنما باشند که این یافته‌ها با پژوهش‌های هریس و براون (1996)، هوگ و کولستاد (2007) و برزونیان (2014) در خصوص راهنما بودن سرنخ‌های کالبدی مسکن در تشخیص هویت اجتماعی-اقتصادی ساکنان همسویی دارد. عامل سیمای بنا و پس از آن مشخصه‌های سایت با بیشترین میزان تبیین‌کنندگی به عنوان مؤثرترین عوامل شناخته شدند.

برداشت‌های نادرست ناظران از هویت افراد و شرایط اجتماعی-اقتصادی ساکنان بر اساس ابعاد کالبدی مسکن را می‌توان عاملی مؤثر در برچسب‌زنی دانست. پژوهش حاضر عوامل کالبدی که می‌توانند در تشخیص هویت ساکنان مؤثر باشند از دیدگاه دو گروه «عوام» که کاربر مسکن و یا مخاطب پیام سرنخ‌های مسکن هستند و «طراحان» که تصمیم‌گیرنده اصلی در انتخاب و سازماندهی عوامل کالبدی مسکن هستند شناسایی کرده است.



در ادامه بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی و شناسایی مشخصه‌های مؤثر، برخی از راهکارهای طراحی در راستای کاهش برچسب زنی اجتماعی-اقتصادی منفی ارائه شده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، نما، مصالح، کیفیت طراحی و اجرای بنا که از مشخصه‌های عامل اول (سیمای بنا) هستند، مؤثر بر تشخیص سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان است. در مطالعه ریمنند پرایس (2017) سطح کم پنجره‌ها، حیاط‌ها و بالکن‌های کوچک، مصالح ارزان قیمت، جذابیت بصری کم نما و نگهداری ضعیف به عنوان عوامل شکل دهنده لقب منفی شناسایی شده است. از مشخصه‌های دیگری که در عامل سیمای بنا قرار گرفته می‌توان به نوع و سبک ساختمان اشاره کرد. پژوهش‌های پیشین عنوان کرده‌اند که انبوه سازی، احجام همگن و قابلیت شناسایی آسان مسکن ارزان قیمت و حمایتی (Cappie-Wood, 1998). طراحی ضعیف و تعداد زیادی مسکن تیپ (Jacobs and Flanagan, 2013) و ظاهر ساده (Raymond Price, 2017) به ایجاد دیدگاه منفی شهروندان نسبت به سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان دامن می‌زند. پژوهشگر معتقد است طراحی بر پایه تناسبات و اصول زیبایی شناختی ضمن رعایت تنوع فرمی و جذابیت بصری با تمرکز بر استفاده از مصالح مورد پذیرش جامعه، اجتناب از تیپ سازی و همچنین اجرای با کیفیت بنا می‌تواند در ایجاد دیدگاه مثبت ناظران نسبت به سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان مؤثر باشد.

مشخصه‌های سایت که به عنوان دومین عامل مؤثر در این پژوهش شناخته شده است در پژوهش‌های پیشین نیز مورد توجه بوده و عدم وجود فضای سبز کافی (Burchett et al., 2008) و لندسکیپ طراحی نشده (Raymond Price, 2017) بر شهرت منفی مکان و دیدگاه ناظران مؤثر ارزیابی شده است. به عقیده پژوهشگر با سازماندهی فضایی و طراحی فضاهای باز و سبز به تناسب نیازهای ساکنان و همچنین زیباسازی فضا به منظور تشویق به مراقبت از محوطه توسط ساکنان می‌توان بخش عمده ای از دیدگاه منفی نسبت به مکان را کاهش داد، چرا که طراحی نشدن فضاهای باز به عدم

استفاده و در نتیجه مراقبت و کنترل ضعیف بر آن منجر شده که خود مسبب بروز رفتارهای ناهنجار اجتماعی و خلافکاری خواهد شد و در نهایت دیدگاه منفی سایرین را به دنبال خواهد داشت.

از دیگر یافته‌های این پژوهش تفاوت دیدگاه کاربر و طراح است که در مطالعات گروت (1982)، گیفورد (2002) و آکالین (2009) بر آن تأکید شده است؛ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مؤثرترین عوامل کالبدی در تعیین سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان از دیدگاه طراحان و کاربران متفاوت است که دیدگاه پژوهش‌های ذکر شده را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد جامعه‌ی طراح به سبب دانش طراحی خود دیدگاه متفاوتی از عوام دارند. با توجه به نقش طراح در انتقال مفاهیم از طریق کالبد مسکن لازم است امر طراحی با دقت و عنایت بیشتری نسبت به این عوامل، بخصوص عوامل مورد نظر کاربران در تشخیص هویت ساکنان انجام شود تا ساکنان بتوانند از طریق کالبد مسکن، دیدگاهی منطبق بر هویت واقعی خود و چه بسا بهتر را در ناظران ایجاد نمایند.

این پژوهش عوامل کالبدی مؤثر بر تشخیص سطح اجتماعی-اقتصادی ساکنان را شناسایی کرده و سیمای بنا و مشخصه‌های سایت را به عنوان مؤثرترین عوامل معرفی کرده است، چنانچه پیشتر گفته شد به منظور انتقال صحیح مفاهیم مورد نظر ساکنان و شکل گرفتن تصویری مطلوب از تمام اقشار جامعه در نظر شهروندان، رعایت اصول طراحی مرتبط با این عوامل در فرآیند طراحی مسکن امری ضروری است که کمی کردن آنها نیازمند مطالعات دقیق‌تر است، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با هدف شناسایی نحوه اثرگذاری هر یک از مشخصه‌های این دسته عوامل انجام شود. از سویی دیگر ابعاد داخلی مسکن نیز می‌توانند سرنخ‌هایی در تشخیص سبک زندگی و گروه‌های فرهنگی-اجتماعی ساکنان به ناظران ارائه کند؛ پژوهشگر پیشنهاد می‌کند علاوه بر ابعاد کالبدی خارجی مسکن، مشخصه‌های فضاهای داخلی مسکن افراد در گروه‌های مختلف نیز مورد بررسی قرار گیرند. همچنین به دلیل اثرگذاری طرحواره افراد بر



Cupchik, G. C., Ritterfeld, U., and Levin, J. (2003). Incidental learning of features from interior living spaces. *Journal of Environmental Psychology*, 23(2), 189–197.

DaneshPaye, N., Habib, F., and Toghyani, S. (2017). Explanation of Effective Physical Component in Creating a Sense of Place in the New Urban Development. *Urban Management*, 47(30–119). [in Persian]

Després, C. (1991). The meaning of home: literature review and directions for further research and theoretical development. *Journal of Architectural and Planning Research*, 8(2), 96–115.

Devlin, K., and Nasar, J. L. (1989). The beauty and the beast: Some preliminary comparisons of 'high' versus 'popular' residential architecture and public versus architect judgments of same. *Journal of Environmental Psychology*, 9(4), 333–344.

Fleury-Bahi, G., Félonneau, M.-L., and Marchand, D. (2008). Processes of Place Identification and Residential Satisfaction. *Environment and Behavior*, 40(5), 669–682.

Gifford, R., Hine, D. W., Muller-clemm, W., Reynolds, D. A. J., and Shaw, K. T. (2000). Decoding modern architecture: A lens model approach for understanding the aesthetic differences of architects and laypersons. *Environment and Behavior*, 32(2), 163–187.

Gifford, R., Hine, D. W., Muller-Clemm, W., and Shaw, K. T. (2002). Why architects and laypersons judge buildings differently: Cognitive properties and physical bases. *Journal of Architectural and Planning Research*, 131–148.

Groat, L. (1982). Meaning in post-modern architecture: An examination using the multiple sorting task. *Journal of Environmental Psychology*, 2(1), 3–22.

Harris, P. B., and Brown, B. B. (1996). The Home and Identity Display: Interpreting Resident Territoriality from Home Exteriors. *Journal of Environmental Psychology*, 16(3), 187–203.

Hastings, A. (2004). Stigma and social housing estates: Beyond pathological explanations. *Housing and the Built Environment*, 19(3), 233–254.

Hauge, A. L., and Kolstad, A. (2007). Dwelling as

نوع برداشت‌ها لازم است این پژوهش‌ها در بسترهای فرهنگی مختلف انجام گیرد.

منابع

Akalin, A., Yildirim, K., Wilson, C., and Kilicoglu, O. (2009). Architecture and engineering students' evaluations of house façades: Preference, complexity and impressiveness. *Journal of Environmental Psychology*, 29(1), 124–132.

Alexander, C. (1977). *A pattern language: towns, buildings, construction*. Oxford University Press.
Anvari, M. (2011). Critique and Review of Social Interaction Theory. *Ma'refat*, 20(8), 153–171. [in Persian]

Aragonés, J. I., Amérgo, M., and Pérez-López, R. (2010). Perception of personal identity at home. *Psicothema*, 22(4), 872–879.

B.Senan, Z. (1993). The House as an Expression of Identity; The Case of the Palestinian House. *Forum*, 2, 3–10.

Belk, R. W. (1988). Possessions and the Extended Self. *Journal of Consumer Research*, 15(2), 139–168.

Borzooeian, M. (2014). A Study of Housing and Identity in Northern Cyprus. *Arts and Design Studies*, 22, 45–52.

Brown, B. B., and Werner, C. M. (1985). Social cohesiveness, territoriality, and holiday decorations: The influence of cul-de-sac. *Environment and Behavior*, 17(5), 539–565.

Burchett, M., Torpy, F., and Tarran, J. (2008). Interior plants for sustainable facility ecology and workplace productivity. *Proceedings of HMAA Conference*, 7(9).

Burton, E., Weich, S., Blanchard, M., and Prince, M. (2005). Measuring physical characteristics of housing: the Built Environment Site Survey Checklist (BESSC). *Environment and Planning*, 32, 265–280.

Cappie-Wood, A. (1998). New South Wales Housing Authority Approach to Urban Renewal. In *Proceedings of the 1998 National Urban Renewal Seminar, Revitalising Housing Areas* (pp. 61–63). Australian Housing and Urban Research Institute, Melbourne.



- Palmer, C., Ziersch, A., Arthurson, K., and Baum, F. (2004). Challenging the Stigma of Public Housing: Preliminary Findings from a Qualitative Study in South Australia. *Urban Policy and Research*, 22(4), 411–416.
- Perez-Lopez, R., Aragonés, J. I., and Américo, M. (2017). Primary spaces and their cues as facilitators of personal and social inferences. *Journal of Environmental Psychology*, 53, 157–167.
- Permentier, M., Bolt, G., and Van Ham, M. (2011). Determinants of Neighbourhood Satisfaction and Perception of Neighbourhood Reputation. *Urban Studies*, 48(5), 977–996.
- Permentier, M., Van Ham, M., and Bolt, G. (2008). Same neighbourhood... different views? A confrontation of internal and external neighbourhood reputations. *Housing Studies*, 23(6), 833–855.
- Poggio, L., Aragonés, J. I., and Pérez-López, R. (2013). Inferences of Personality Traits from Bedroom Objects: An Approach from the SCM. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 82, 668–673.
- Pourdeihimi, S., Madani, R., and Mousavinia, F. (2017). Physical Factors Affecting The Perception of Density in Residential Environments, A Case Study of Residential Quarters in Mashhad. *Journal of Architecture Studies*, 6(11), 43–61. [in Persian]
- Pourdeihimi, S., Mashayekh Faridani, S., and Nourtaghani, A. (2013). Housing and Identity: Study on the Mechanisms of Interaction Between Dweller's Identity and Residential Environment. *Housing and Rural Environment*, 32(141), 3–18. [in Persian]
- Purcell, A. T. (1986). Environmental Perception And Affect, A Schema Discrepancy Model. *Environment and Behavior*, 18(1), 3–30.
- Purcell, Alan T. (1995). Experiencing American and Australian high- and popular-style houses. *Environment and Behavior*, 27(6), 771–800.
- Raymond Price, C. (2017). Alleviating Affordable Housing Stigma by Design. Doctoral Dissertation. The Ohio State University.
- Ritterfield, U., and Cupchik, G. C. (1996). Perceptions of Interior Spaces. *Journal of Environmental Psychology*, 16(4), 349–360.
- an expression of identity. A comparative study among residents in high-priced and low-priced neighbourhoods in Norway. *Housing, Theory and Society*, 24(4), 272–292.
- Jacobs, K., and Flanagan, K. (2013). Public housing and the politics of stigma. *Australian Journal of Social Issues*, 48(3), 319–337.
- Jones, R. M., Taylor, D. E., Dick, A. J., Singh, A., and Cook, J. L. (2007). Bedroom design and decoration: Gender differences in preference and activity. *Adolescence*, 42(167), 539–554.
- Kasravi, R. (2018). From Aesthetic to the Aesthetics of Residential Building Facades in District 17 of Tehran Municipality. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 5(18), 7–14. [in Persian]
- Kline, P. (2015). An Easy Guide to Factor Analysis (S. J. Sadr Alsadat and A. Minaei (eds.)). SAMT. [in Persian]
- Malkawi, F. K., and Al-qudah, I. (2003). The house as an expression of social worlds : Irbid ' s elite and their architecture. *Journal of Housing and the Built Environment*, 18, 25–48.
- Marcus, C. C. (1974). The house as symbol of the self. The people, place, and space reader. The people, place, and space reader.
- Marcus, C. C., and Sarkissian, W. (1986). Housing as if people mattered: Site design guidelines for the planning of medium-density family housing. Univ of California Press.
- Naghibi, N., and Hosseini, S. B. (2014). The Relation Of Psychological, Physical And Environmental Factors And Promoting The Residents' Satisfaction Of Residential Complexes. *Journal Of Sustainable Architecture And Urban Design*, 2(2), 15–25. [in Persian]
- Nasar, J. L., and Kang, J. (1999). House style preference and meanings across taste cultures. *Landscape And Urban Planning*, 44, 33–42.
- Norris, M., Byrne, M., and Carnegie, A. (2018). Combatting stigmatisation of social housing neighbourhoods in Dublin , Ireland. *International Journal of Housing Policy*, 19(2), 254–266.
- Opoku, R. A., and Abdul-muhmin, A. G. (2010). Housing preferences and attribute importance among low-income consumers in Saudi Arabia. *Habitat International*, 34(2), 219–227.



Ukoha, O. M., and Beamish, J. O. (1997). Assessment of Residents Satisfaction with Public Housing in Abuja , Nigeria. *Habitat International*, 21(4), 445–460.

Vershure, B., Magel, S., and Sadalla, E. K. (1977). House form and social identity. In *The Behavioral Basis of Design*.

Wacquant, L. (2008). Territorial stigmatization in the age of advanced marginality. *ProtoSociology*, 26, 213–225.

Warr, D. (2005). There goes the neighbourhood : the malign effects of stigma. *Social City*, 19(3), 1–11.

Wilson, M. A., and Mackenzie, N. E. (2000). Social Attributions Based on Domestic Interiors. *Journal of Environmental Psychology*, 20(4), 343–354.

Royse, D. C. (1969). Social inferences via environmental cues. Doctoral dissertation, Massachusetts Institute of Technology.

Sadalla, E. K., Vershure, B., and Burroughs, J. (1987). Identity symbolism in housing. *Environment and Behavior*, 19(5), 569–587.

Shams, A. (2018). The Fundamental Evaluation Of Social Deviations With The Emphasis On Interaction Theory. *Journal Of Iranian Social Development Studies (JISDS)*, 7(1), 37–56. [in Persian]

Sulaiman, H., and Yahaya, N. (1987). Housing Provision and Satisfaction of Low-Income Households in Kuala Lumpur. *Habitat International*, 11(4), 27–38.

Teimouri, I., Hakimi, H., and Hosseinpour Shad, V. (2016). The Role Of Physical And Accessibility Variables In Determination Of Housing Price; Case Study Sahand New Town. *Journal Of Geography And Planning*, 20(57), 81–95. [in Persian]

